

## عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان، در نظام‌های چندکشتی و رعیتی

خلیل میرزایی<sup>۱\*</sup>، مرجان سپه‌پناه<sup>۱</sup>، رضا موحدی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳)

### چکیده

هدف این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های چندکشتی و رعیتی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۷۴۰ نفر از زنان بخش فیروزان نهاوند (استان همدان) بودند که براساس شاخص کفایت نمونه‌بارتلت ۲۵۴ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری ساده تصادفی برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه بود. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر دو نظام وجود دارد. با توجه به تست لون (کمتر از ۰/۰۵) و برابری واریانس‌ها، میزان مؤلفه‌های احساس امنیت و اعتماد، بهادادن به زندگی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها بین زنان در نظام‌های خانوادگی چندکشتی بیشتر است. در مقابل، مؤلفه‌های دوستی و روابط خانوادگی، پیوندهای همسایگی، مشارکت در اجتماعات محلی و عمل‌گرایی در بافت اجتماعی بین زنان در نظام کشت رعیتی بیشتر است. علاوه بر این، نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که ۶۱ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی را متغیرهایی مانند سابقه کار، تحصیلات، درآمد، رسانه‌های انبوهی و مالکیت زمین می‌تواند تبیین کند که میزان تحصیلات و رسانه‌های انبوهی بیشترین اثر را بر افزایش سرمایه اجتماعی بین زنان دارند.

### کلیدواژگان

توسعه کشاورزی، نظام چندکشتی، نظام رعیتی، سرمایه اجتماعی، فناوری‌های کشاورزی زنان.

## مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و پیامدهای توسعه نیافتگی این مناطق، موجب توجه به توسعه روستایی شده است. اکنده معتقد است، زنان نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می دهند، بنابراین، اگر هر برنامه ای این نیروی عظیم انسانی را در نظر نگیرد، به اهداف خود نائل نخواهد شد. زنان به ویژه زنان روستایی، دوشادوش و هم پای مردان در فعالیت های اقتصادی - اجتماعی، مشارکتی فعالانه دارند و نیروی عمده در تولیدات به ویژه تولیدات کشاورزی و دام پروری اند. وضعیت زنان در هر جامعه ای نشان دهنده میزان پیشرفت آن جامعه است و اعتلای هر کشوری در گرو به کارگیری نیروی زنان است. زنان همواره نقش های اساسی در توسعه جوامع بر عهده داشته اند، به ویژه زنان روستایی که همیشه با گستره ای از فعالیت های خارج و داخل از منزل مشغول بوده اند، اما هیچ گاه این تلاش ها مجزا از کار مردان انعکاس نیافته و نقش های آن ها جدی گرفته نشده است (آگهی، ۱۳۸۴، ص ۳۱). نتایج تحقیقات انجام گرفته شده نشان می دهد به رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جوانب مختلف روستایی و نقش آنان در تحولات روستایی و برنامه های اجرا شده، به منظور توزیع و ایجاد زیرساخت های توسعه، به دلیل چشم پوشی از نقش برجسته زنان، سرمایه گذاری بسیار محدودتری در زمینه های آموزشی - ترویجی و همه فعالیت های پشتیبانی انجام گرفته است.

## بیان مسئله

در سال های اخیر، سرمایه اجتماعی در متون نظری توسعه و جامعه شناسی توجه بسیار زیادی را به خود معطوف کرده است (Portes, 1998, pp.28-32). بوردیو اولین کسی است که به زعم پورترز (۱۹۹۸)، تحلیل منظمی از سرمایه اجتماعی به دست داده است و این مفهوم را به این شرح تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می شود» (Bourdieu, 1985). کلمن سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد، وی معتقد است سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می شود، به زعم وی

سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی‌اند و کنش‌های معین افراد را درون ساختار تسهیل می‌کنند (Coleman, 1988). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که در آن افراد با درگیر شدن در معاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد استفاده را تولید می‌کنند (Lin, 2001, p.14). سرمایه اجتماعی از تعهدات یا ارتباطات اجتماعی ساخته می‌شود که در شرایط معین، قابل تبدیل به سرمایه‌های اقتصادی‌اند (Portes, 1998, p.123). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند و یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن را به کار گرفته و از آن بهره گیرد. این مسئله برای گروه، بیشتر صدق می‌کند (Putnam, 2002, pp.16-17). بنابراین، با توجه به مسائل زیر، سرمایه اجتماعی زنان، به عنوان یک ضرورت، در نظام‌های چندکشتی و رعیتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت:

- نقش اساسی و تأثیرگذار زنان به عنوان نیمی از جامعه پویا و فعال کشور؛
- تأثیر بی‌بدیل این گروه از جامعه در رشد، پرورش، بالندگی و هدایت نیروی انسانی جوان و کارآمد در نقش «مادر خانواده»؛
- حضور این قشر در کسوت مولدین و فعالان بخش کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی و جز آن در مناطق روستایی؛
- مشارکت زنان روستایی در مباحث توسعه پایدار، به ویژه توسعه پایدار کشاورزی و روستایی اهمیت دارد.

نقش و جایگاه روستاها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و پیامدهای توسعه نیافتگی این مناطق موجب توجه به توسعه روستایی شده است.

همان طور که پاتنام (۲۰۰۲) معتقد است، فلسفه وجودی سرمایه اجتماعی مشتمل بر خانواده، دوستان، همکاران و جز آن است که دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند و یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن را به کار گرفته و از آن بهره گیرد. در حالی که بنا به دلایل زیر، کاربرد و زمینه

به کارگیری این سرمایه در فعالیت‌های گروهی و تیمی که کشاورزی به‌ویژه کشاورزی زنان، مصداق بارزی از آن محسوب می‌شود، بیشتر خودنمایی می‌کند:

- سرمایه اجتماعی در محیط روستایی به دلیل کوچک و بکر بودن آن محیط‌ها بیشتر و غنی‌تر است و فعالیت‌های کشاورزی نیز غالباً در آن مناطق انجام می‌گیرد؛
- مشارکت، همکاری و حضور زنان روستایی در کنار هم برای انجام دادن فعالیت‌های کشاورزی ملموس‌تر و مشخص‌تر بوده و تلاش برای اثبات توانمندی خود بالاتر است.
- به دلیل وجود سرمایه اجتماعی بالاتر در محیط‌های روستایی، تمایل مردان برای کمک-رسانی به همسران خود که در زمینه کشاورزی اشتغال دارند، در حد قابل قبولی است. بنابراین، توجه به این موضوع مهم در کنار نقش اساسی زنان روستایی در مباحث توسعه پایدار، به‌ویژه توسعه پایدار کشاورزی اهمیت دارد. زنان روستایی همراه و هم‌پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، مشارکتی فعالانه دارند و نیروی عمده در تولیدات کشاورزی و دام‌پروری هستند. زنان همواره نقش‌های اساسی در توسعه جوامع بر عهده داشته‌اند، به‌ویژه زنان روستایی که همیشه با گستره‌ای از فعالیت‌های خارج و داخل از منزل مشغول بوده‌اند. از آنجا که بیشتر فعالیت‌های کشاورزی و دام‌پروری در منطقه فیروزان شهرستان نهاوند توسط زنان روستایی انجام می‌گیرد، به نظر می‌رسد اگر زنان روستایی از روش چندکشتی با مزایا و منافع یادشده به‌جای کشت سنتی و رعیتی استفاده کنند، بهره‌وری و اثربخشی این فعالیت‌ها و بالطبع سطح درآمد و معیشت خانواده‌ها افزایش قابل توجهی خواهد داشت.

همچنین، با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی رابطی میان اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست است، بنابراین، افزایش درآمد و ارتقای سطح معیشت زنان روستایی موجب توسعه سرمایه اجتماعی آنان می‌شود. از این رو، در این مقاله سعی شده است با اشاره به وضعیت کشاورزی منطقه- که اکثر امور کشاورزی به عهده زنان آن منطقه است- گامی در راستای تغییر الگوی کشت از روش کشت سنتی به چندکشتی برداشته، و با برشمردن مزایای این کشت، زنان روستایی را به به‌کارگیری آن ترغیب کرد.

بنابراین، سرمایه اجتماعی بین زنان بخش فیروزان شهرستان نهاوند (استان همدان) برای شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان روستایی و مؤلفه‌های هر یک از عوامل، (ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای همبستگی، دوستی و روابط خانوادگی، احساس امنیت و اعتماد، عمل‌گرایی در بافت اجتماعی، پیوندهای کاری، بهادادن به زندگی و مشارکت در اجتماعات محلی) بررسی و مطالعه شد.

پرسش اصلی تحقیق این است که عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی در نظام‌های چندکشتی و رعیتی زنان کشاورز چیست؟

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

#### الف) کشت مخلوط (چندکشتی) و کشت رعیتی (سنتی)

زراعت فن کشت‌وکار و بهره‌برداری از عوامل محیطی برای تولید محصولات کشاورزی است. در یک منطقه مشخص عواملی روی تولید محصولات کشاورزی تأثیر می‌گذارند که عبارت‌اند از: سطح تکنولوژی (از قبیل منابع نیرو در کشاورزی، استفاده از بذر اصلاح‌شده و کودهای شیمیایی و سایر نهاده‌های کشاورزی)، منابع تولید (مانند کار، سرمایه و مدیریت)، سنت زارع، و روش‌های کشاورزی و سرانجام، عوامل فیزیکی و بیولوژیکی محیط از قبیل حرارت، نور و غیره. تاکنون سعی محققان بر این بوده است که کیفیت بعضی از عوامل یادشده را بالا برند، ولی از تغییر کلی، نحوه کشت‌وکار اجتناب ورزند و آن به دو دلیل زیر بوده است:

- اغلب زارعان حاضر به قبول و انجام‌دادن تحقیقات جدید و مراکز، مؤسسات و دانشکده‌های کشاورزی نبوده و روش‌های سنتی خود را با سیستم جدیدی که ارائه می‌شود، تغییر نمی‌دهند. بنابراین، کوشش مراکز تحقیقات کشاورزی بر این بوده است که سطح تکنولوژی را در زراعت بالا ببرند.
- روش‌های سنتی که به‌وسیله زارع به‌کار گرفته می‌شود، نتیجه تجربه‌های چند نسل پیش از او است که باعث ایجاد تعادل محیطی هم از نظر انسانی (مانند برآورده کردن احتیاجات شخصی، وضع اقتصادی و غیره) و هم تکنیکی (عوامل بیولوژیکی، فیزیکی محیط) می‌شود.

مسئله توسعه کشاورزی فقط در بالابردن سطح تکنولوژی و شناسایی عوامل محیط محدود نمی‌شود، بلکه باید حداکثر استفاده را از عوامل محیط کرد تا بدون متحمل شدن هزینه‌های اضافی، بازده را بالا ببرد.

در کشاورزی سنتی تولید کشاورزی را به دو طریق می‌توان افزایش داد:

۱. افزایش سطح زیر کشت؛

۲. افزایش میزان محصول در واحد سطح (افزایش عملکرد).

ولی راه مهم‌تر دیگری وجود دارد که بدون متحمل شدن هزینه‌های اضافی و با استفاده از آب و کود موجود بتوان تولید بیشتری داشت و آن به‌کارگیری «زمان» است که شامل افزایش تولیدات کشاورزی در واحد سطح با کشت بیش از یک گیاه در یک سال زراعی است.

در یک نقطه مشخص مدت زمان قابل کشت و کار گیاهان به حرارت، نور و آب، زمان کشت و کار و در نتیجه تولید بستگی دارد و باید سعی کرد با حداکثر بهره‌برداری از آب موجود، میزان تولید را افزایش داد.

بهترین و شاید تنها راه رسیدن به این مقصود، انجام دادن «چندکشتی» یا «کشت مخلوط» است (لامعی هروانی و نصری، ۱۳۸۳).

### ب) سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم جدید در علوم اجتماعی است که به‌منزله رابطه میان اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست است که می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات مختلف باشد. تعریف‌های گوناگونی درباره سرمایه اجتماعی بیان شده است. در زمینه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) بیان کردند سرمایه اجتماعی منابع و ارزش‌هایی از ارتباطات فردی و سازمانی است.

نتایج تحقیقات در نقاط مختلف جهان گویای این است که رابطه‌ای بسیار قوی بین میزان سرمایه اجتماعی مناطق روستایی و میزان توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کشاورزی آن مناطق وجود دارد (Alonge, 2002, p.43). همان‌طور که پژوهشگرانی مانند ماکوب (۲۰۰۵) معتقدند جایی که شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، انسجام و شبکه روابط اجتماعی

آشکار و مشهودند، مردم محلی با انگیزه بیشتری و با تعهد بالاتری با مأموران مؤسسات تغییر در جهت ایجاد تغییرات مطلوب و پایدار همکاری می‌کنند. پالدام (۲۰۰۰) معتقد است وجود سرمایه اجتماعی میان یک جامعه روستایی و کشاورزی باعث افزایش اثربخشی ترویج کشاورز به کشاورز می‌شود و انتقال اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین کشاورزی و همکاری و هماهنگی آن‌ها را تسهیل و تشدید می‌کند. بنابراین، تغییر در آهنگ این مشخصه‌ها است که در نهایت، به اقدام جمعی و مشارکت کشاورزان برای پذیرش تکنولوژی کشاورزی منجر می‌شود.

اسمیت و شارپ (۲۰۰۳) معتقدند بین سرمایه اجتماعی روستاییان و توسعه کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد. تحقیقات چاین‌یانگ (۲۰۰۲) در آفریقای جنوبی گویای آن است که محققان برای عملی کردن رهیافت توسعه مشارکتی تکنولوژی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را مانند اعتماد، انسجام و شبکه‌های اجتماعی برای جلب مشارکت و همکاری کشاورزان را به کار گرفتند. بنابراین، به‌طور کلی واضح است وجود سرمایه اجتماعی در جوامع کشاورزی یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود و بدون حد مطلوبی از این سرمایه هیچ‌یک از ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پایداری توسعه به‌طور کامل محقق نخواهد شد. کشت مخلوط به‌عنوان یکی از روش‌های پرکاربرد چندکشتی است که با هدف گسترده و متنوع کردن کشت در ابعاد «مکانی و زمانی» انجام می‌گیرد و دو یا چند محصول در یک زمان و در یک قطعه از مزرعه کشت می‌شوند که ممکن است دو یا چند محصول یادشده به‌صورت ردیفی یا درهم کشت شوند. بنابراین، مهم‌ترین خصوصیت سیستم‌های کشت مخلوط، افزایش تنوع بر حسب ساختار و رویشگاه گونه گیاهی است. کشت مخلوط مزایای متعددی برای مزرعه دارد که از جمله آن می‌توان به نقش آن در حفظ و بهبود حاصل‌خیزی خاک و بالطبع کاهش مصرف نهاده‌های مصنوعی، کاهش ریسک و خطر ناشی از شیوع آفات و بیماری‌ها، آثار اقلیمی آب و هوا به‌دلیل تنوع محصول، تأمین غذا و علوفه نسبتاً ارزان برای دام‌ها و استفاده بهینه از نیروی کار که بیشتر زنان روستایی و کشاورز می‌باشند، اشاره کرد (مظاهری، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

با توجه به مزایای یادشده برای سیستم کشت مخلوط که یکی از روش‌ها و فنون کشاورزی پایدار است (اسدی و نادری مهدی، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۲). این نظام به‌طور پراکنده و در قطعات

کوچک در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری رواج پیدا کرده است، که به علت کوچکی قطعات و حجم سبک کارها زنان روستایی و کشاورز در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصول در این نظام نقش بارزی ایفا می کنند (مظاهری، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

با توجه به اینکه شیوه چندکشتی در مقایسه با کشت های سنتی، مزایا و منافع زیادی دارد، مانند حفاظت از محیط زیست، حفظ منابع آب و خاک، و افزایش درآمد کشاورزان و نیز با عنایت به ظرفیت ها و قابلیت های اقلیمی و جوی منطقه مورد مطالعه (بخش فیروزان استان همدان) به نظر می رسد، این ناحیه یکی از این مناطق مستعدی است که می توان در آن شاهد توسعه نظام های کشت مخلوط (چندکشتی) بود.

همچنین، زنان روستایی این منطقه، امکان کشت انواع محصولات مانند خیار، خربزه، طالبی، هندوانه، ذرت، انواع لوبیا، ماش و غیره را با هم و در قطعات کوچک در این نظام ها خواهند داشت. در این پژوهش، موضوع سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام های کشت مخلوط (چندکشتی) و نظام رعیتی (سنتی) با رویکردی مقایسه ای بررسی شد و عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی نیز واکاوی خواهد شد.

### روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر پارادایم، کمی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده ها، توصیفی - همبستگی به شمار می رود. جامعه آماری پژوهش همه زنان روستایی بخش فیروزان (استان همدان) بودند که در نظام های کشت مخلوط (چندکشتی و رعیتی) کار می کردند.

تعداد این افراد براساس آمار و اطلاعات سازمان جهاد کشاورزی فیروزان در سال ۱۳۹۲ برابر با ۷۴۰ نفر بود. حجم نمونه براساس جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، ۲۵۴ نفر تعیین شد که به روش نمونه گیری ساده تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش ملاک تفکیک این زنان روستایی تعلق آنان به نظام های کشت مخلوط و نظام رعیتی بود. ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه ای دوبخشی بود. بخش اول ویژگی های جمعیت شناختی زنان روستایی مورد مطالعه و بخش دوم مقیاسی برای سنجش سرمایه اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه بود، در این بخش پرسشنامه استاندارد بولن و



اونیکس (۲۰۰۰) که شامل هشت مؤلفه ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای همسایگی، دوستی و روابط خانوادگی، احساس امنیت و اعتماد، عمل‌گرایی در بافت اجتماعی، پیوندهای کاری، بهادادن به زندگی و مشارکت در اجتماعات محلی بود، مبنای کار قرار گرفت و متناسب با ویژگی‌های کشاورزان منطقه مورد مطالعه، تعدیل و بازسازی شد. روایی پرسشنامه، توسط متخصصان توسعه روستایی و اعضای هیئت علمی گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه بوعلی سینا تأیید شد و برای تعیین پایایی پرسشنامه روش ضریب آلفای کرونباخ به کار گرفته شد. میزان این ضریب برای مقیاس یادشده، ۰/۸۲ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با نرم‌افزارهای Excel و SPSS انجام گرفت.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد ۳۰/۷۰ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه در سنین ۴۰ تا ۴۹ سال قرار داشتند. ۷۰/۴۶ درصد از آن‌ها تحصیلاتی در حد دیپلم و پایین‌تر داشتند. میزان مالکیت زمین ۴۷ درصد از آن‌ها بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر مربع بود. تعداد افراد خانواده اکثر آنان (۶۸/۱۷) بین ۴ تا ۷ نفر و اکثر آنان در طول یک‌سال بین ۱ تا ۳ بار در کلاس‌های آموزشی-ترویجی شرکت کرده بودند. اکثر آنان (۴۶/۳ درصد) از دو رسانه انبوهی مثل رادیو و تلویزیون استفاده می‌کردند. میزان درآمد سالانه آنان براساس بیان خودشان از ۵۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون تومان متغیر بود و میانگین درآمد سالانه آنان ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بود.

به‌منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط مورد مطالعه ضریب تغییرات محاسبه شد (جدول ۱). با توجه به نتایج بیان‌شده در جدول ۱، مشاهده می‌شود از بین مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» و «پیوندهای همسایگی» بیش از سایر مؤلفه‌ها در بین زنان روستایی در نظام چندکشتی وجود دارد. در این بین، کم‌ترین اولویت‌ها به مؤلفه‌های «مشارکت در اجتماعات محلی» و «بهادادن به زندگی» اختصاص یافته است.

جدول ۱. وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان در نظام چندکشتی

اولویت	مؤلفه‌ها	میانگین (از ۵)	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها	۳٫۷۸	۰٫۹۷	۰٫۲۵
۲	پیوندهای همسایگی	۳٫۶۶	۰٫۹۶	۰٫۲۶
۳	دوستی و روابط خانوادگی	۳٫۴۶	۰٫۹۳	۰٫۲۷
۴	احساس امنیت و اعتماد	۳٫۳۱	۱٫۰۳	۰٫۳۱
۵	عمل‌گرایی در بافت اجتماعی	۳٫۲۱	۱٫۰۹	۰٫۳۳
۶	پیوندهای کاری	۳٫۱۴	۱٫۱	۰٫۳۵
۷	بهادادن به زندگی	۲٫۸۴	۱٫۰۲	۰٫۳۶
۸	مشارکت در اجتماعات محلی	۲٫۹	۱٫۱۲	۰٫۳۸

همچنین، براساس یافته‌های بیان‌شده در جدول ۲ مشاهده می‌شود از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظام رعیتی اولویت اول و دوم به ترتیب، به مؤلفه‌های «دوستی و روابط خانوادگی» و «احساس امنیت و اعتماد» اختصاص داده شده است. در این بین، اولویت‌های آخر به مؤلفه‌های «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» و «عمل‌گرایی در بافت اجتماعی» اختصاص داده شده است. با توجه به جدول‌های ۱ و ۲ مشاهده می‌شود مؤلفه «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» بین زنان در نظام چندکشتی به‌عنوان مؤلفه اول و در بین زنان در نظام کشت رعیتی به اولویت آخر اختصاص داده شده است. بنابراین، می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی جداکننده این دو گروه در جامعه آماری مورد مطالعه، مؤلفه «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» است.

جدول ۲. وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظام کشت رعیتی

اولویت	مؤلفه‌ها	میانگین (از ۵)	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	دوستی و روابط خانوادگی	۳٫۵۵	۰٫۹۶	۰٫۲۷
۲	احساس امنیت و اعتماد	۳٫۲۷	۰٫۹۶	۰٫۲۹
۳	عمل‌گرایی در بافت اجتماعی	۳٫۳۱	۱٫۰۷	۰٫۳۲
۴	پیوندهای همسایگی	۳٫۱۷	۱٫۰۳	۰٫۳۳
۵	پیوندهای کاری	۳٫۷۲	۱٫۰۳	۰٫۳۵
۶	مشارکت در اجتماعات محلی	۲٫۸۱	۱٫۰۲	۰٫۳۶
۷	بهادادن به زندگی	۲٫۶۲	۱٫۰۱	۰٫۳۸
۸	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها	۲٫۶۵	۱٫۰۵	۰٫۳۹

## میزان سرمایه اجتماعی بین زنان مورد مطالعه

امتیاز سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط برای ۶۰ گویه سرمایه اجتماعی با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از ۱- هرگز تا ۵- خیلی زیاد) بین ۶۰ تا ۳۰۰ بود که آن را در سه سطح کم، متوسط و زیاد گروه‌بندی کردیم. یافته‌های بیان‌شده در جدول ۳ سطوح سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط را که فناوری‌های نوین کشاورزی پذیرفته‌اند، نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود، نتایج بیان‌شده در جدول ۳ بیان می‌کند سرمایه اجتماعی بیش از نیمی از زنان نظام‌های خانوادگی چندکشتی در حد زیاد برآورد شده است. همچنین، یافته‌های بیان‌شده در جدول ۴ سطوح سرمایه اجتماعی را بین زنان در نظام کشت رعیتی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، یافته‌ها حاکی از این است که سرمایه اجتماعی حدود ۸۰ درصد از زنان روستایی در حد متوسط و پایین‌تر از آن است.

جدول ۳. توزیع فراوانی سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های خانوادگی چندکشتی

میزان سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (کمتر از ۱۴۰)	۱۸	۱۵٫۶۵	۱۵٫۶۵
متوسط (۱۴۰ - ۲۲۰)	۳۴	۲۹٫۵۶	۴۵٫۲۱
زیاد (بیشتر از ۲۲۰)	۶۳	۵۴٫۷۸	۱۰۰
سرمایه اجتماعی میانگین: ۱۹۷٫۲۵	حداقل: ۶۰	حداکثر: ۳۰۰	

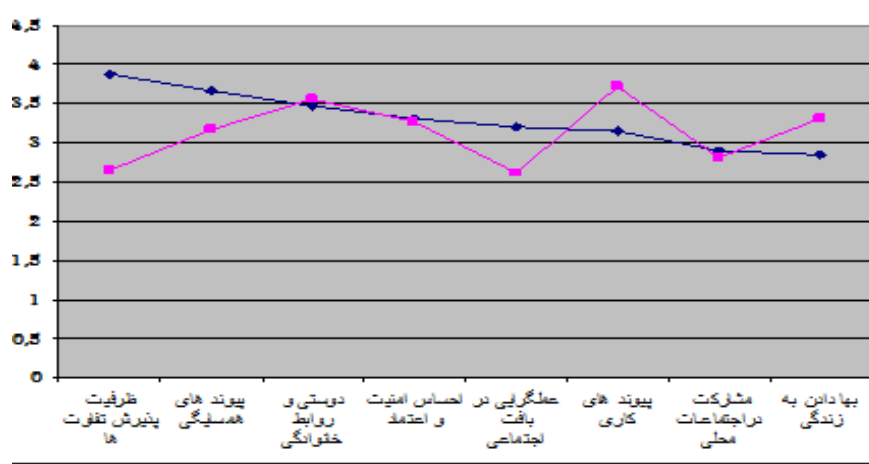
جدول ۴. توزیع فراوانی سرمایه اجتماعی زنان در نظام رعیتی

میزان سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم (کمتر از ۱۴۰)	۴۶	۳۳٫۰۹	۳۳٫۰۹
متوسط (۱۴۰ - ۲۲۰)	۶۷	۴۸٫۲۰	۸۱٫۲۹
زیاد (بیشتر از ۲۲۰)	۲۶	۱۸٫۷۱	۱۰۰
سرمایه اجتماعی میانگین: ۱۸۸٫۲۵	حداقل: ۶۰	حداکثر: ۳۰۰	

## مقایسه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بین زنان مورد مطالعه

به‌منظور مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی در دو نظام خانوادگی

چندکشتی و رعیتی صفحه گستر اکسل به کار گرفته شد. شکل ۱ مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی بین گروه زنان روستایی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های «اعتماد و احساس امنیت»، «مشارکت در اجتماعات محلی» و «دوستی و روابط خانوادگی» در بین زنان در هر دو گروه هم‌پوشانی دارند. در حالی که شکل ۱ حاکی از آن است که مؤلفه «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» بین زنان در دو نظام کشت رعیتی و چندکشتی تفاوت قابل توجهی دارد.



شکل ۱. مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان مورد مطالعه

برای مقایسه سرمایه اجتماعی زنان روستایی در دو نظام کشت خانوادگی چندکشتی و رعیتی آزمون مقایسه میانگین تی مستقل به کار گرفته شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود یافته‌های بیان شده در جدول ۵ حاکی از آن است که اختلاف معناداری در سطح پنج درصد بین میانگین سرمایه اجتماعی زنان روستایی در دو نظام کشت خانوادگی چندکشتی و رعیتی وجود دارد. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین سرمایه اجتماعی زنان نظام کشت خانوادگی با زنانی در نظام کشت رعیتی اختلاف معناداری وجود دارد. که با توجه به آزمون لون که کوچک‌تر از ۰٫۰۵ است، مقایسه میانگین برای واریانس‌های برابر است به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی به‌طور کلی در نظام‌های خانوادگی چندکشتی بیشتر از زنان در نظام‌های رعیتی است. این یافته با نتایج تحقیقات ماکوب (۲۰۰۵)، پالدام (۲۰۰) و یانگ (۲۰۰۲) هم‌سو است.

جدول ۵. مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

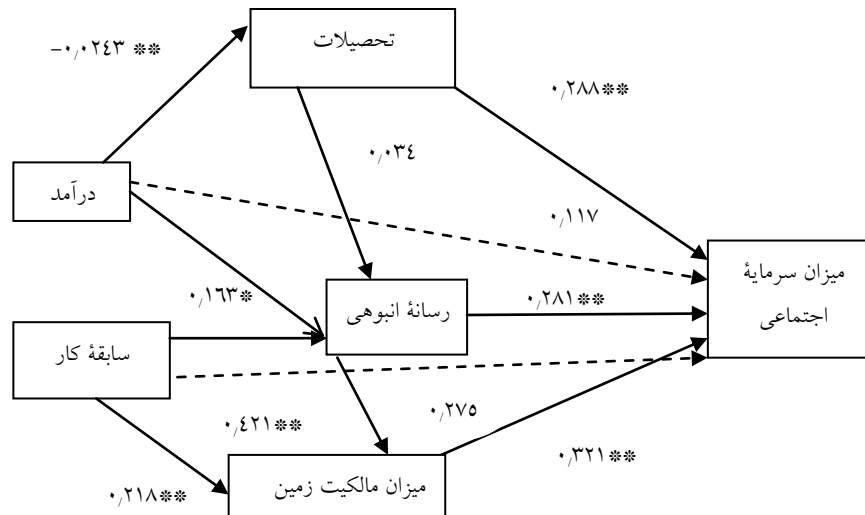
متغیر	نوع نظام	میانگین	آماره تی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	نظام چندکشتی	۱۹۷٫۲۵	۱٫۷۰۸*	۰٫۰۱۸
	نظام رعیتی	۱۸۸٫۲۵		

جدول ۶. مقایسه میانگین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین دو نظام کشت

متغیر وابسته	نظام چندکشتی		نظام رعیتی		آماره تی	معناداری
	Sd	m	sd	m		
دوستی و روابط خانوادگی	۱۱٫۴۶	۵۸٫۳۵	۱۲٫۵۰	۲٫۵۱	۰٫۰۱۵	
احساس امنیت و اعتماد	۱۲٫۱۱	۵۱٫۲۵	۱۲٫۴۰	۰٫۷۴۵	۰٫۰۰۹	
بهادادن به زندگی	۹٫۵۱	۵۱٫۲۵	۱۰٫۵۰	۲٫۳۲۱	۰٫۰۸۹	
پیوندهای همسایگی	۱۱٫۲۳	۵۹٫۲۵	۱۰٫۵۰	۳٫۲۵۳	۰٫۰۲۰	
پیوندهای کاری	۱۲٫۳۶	۵۰٫۱۱	۱۲٫۴۰	۲٫۷۴۵	۰٫۰۰۹	
مشارکت در اجتماعات محلی	۹٫۱۲	۵۷٫۲۵	۱۰٫۵۰	۲٫۳۲۱	۰٫۰۸۹	
عمل‌گرایی در بافت اجتماعی	۱۱٫۴۲	۵۸٫۲۵	۱۱٫۵۰	۳٫۲۵۳	۰٫۰۲۰	
ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها	۱۵٫۳۹	۵۰٫۳۹	۱۴٫۴۷	۱٫۱۰۵	۰٫۰۲۷	

خلاصه آزمون تی برای بررسی تفاوت بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بین نظام خانوادگی چندکشتی و نظام رعیتی همان‌طور که مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری بین کل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر دو نظام وجود دارد. با توجه به آزمون (لون کم‌تر از ۰٫۰۵) و برابری واریانس‌ها و چون میانگین مؤلفه‌های احساس امنیت و اعتماد، بهادادن به زندگی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها بین زنان در نظام‌های خانوادگی چندکشتی بیشتر است. در مقابل، مؤلفه‌های دوستی و روابط خانوادگی، پیوندهای همسایگی، مشارکت در اجتماعات محلی و عمل‌گرایی در بافت اجتماعی در بین زنان در نظام کشت رعیتی بیشتر است.

با توجه به مقدار ضریب تعیین چندگانه در خروجی اول تحلیل رگرسیون ( $R^2=۰٫۶۱$ )، می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. شایان ذکر است، مقادیر ضرایب معناداری کمتر از ۰٫۰۵ در شکل ۲ حذف شد، سپس ضرایب مسیر بازسازی شد.



شکل ۲. آثار مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

جدول ۷. آثار مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پیش‌بین بر متغیر سرمایه اجتماعی زنان

متغیر	اثر غیرمستقیم					اثر مستقیم	اثر کل
	درآمد	تحصیلات	رسانه انبوهی	سابقه کار	میزان مالکیت		
درآمد	-	۰٫۰۶۱	-۰٫۰۲۷	۰	-۰٫۰۷۹	۰٫۱۱۷	۰٫۰۷۲
تحصیلات	۰٫۰۵	-	۰٫۰۹۶	۰	۰	۰٫۲۸۸	۰٫۴۳۴
رسانه انبوهی	۰	۰	-	۰	۰٫۱۴۶	۰٫۲۸۱	۰٫۴۲۷
سابقه کار کشاورزی	۰	۰	۰٫۴۵	-	۰٫۹۲	-۰٫۲۷۵	-۰٫۱۳۸
میزان مالکیت زمین	۰	۰	۰	۰	-	۰٫۳۲۱	۰٫۳۲۱

نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که ۰٫۶۱ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی را متغیرهای مانند سابقه کار، تحصیلات، درآمد، رسانه‌های انبوهی و مالکیت زمین می‌تواند تبیین کند. در این بین، میزان تحصیلات و رسانه‌های انبوهی بیشترین اثر را بر افزایش سرمایه اجتماعی در بین زنان دارند زیرا رسانه‌های انبوهی می‌توانند در تغییر نگرش افراد نقش مثبت و منفی داشته باشند.

## نتیجه

از آنجا که در حال حاضر شیوه کشت سنتی و رعیتی در منطقه مورد مطالعه حاکم بوده و با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مناسب اقلیمی، بازدهی مطلوبی از این شیوه کشت وجود ندارد، تحقیق حاضر بر آن است تا نشان بود با تغییر الگوی کشت از نظام رعیتی به چندکشتی، بازدهی افزایش می‌یابد و بالطبع درآمد بیشتری نیز عاید روستایی خواهد شد. شایان ذکر است، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، افزایش سطح درآمد کشاورزان و روستاییان، موجب ارتقای جایگاه و سرمایه اجتماعی بهره‌برداران خواهد شد.

همان‌طور که در ادامه بیان شده است، پس از بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های چندکشتی و رعیتی و مؤلفه‌های مرتبط آن، مشخص شد میزان سرمایه اجتماعی بین زنان نظام‌های چندکشتی نسبت به زنانی در نظام رعیتی در سطح بالاتری قرار دارد.

نتایج تحقیق حاضر به‌طور مبسوط به شرح زیر است:

نتایج بررسی میزان سرمایه اجتماعی زنان نشان داد سرمایه اجتماعی در بین زنان نظام‌های چندکشتی نسبت به زنان در نظام رعیتی در سطح بالاتری قرار داشت، به‌طوری که اکثر زنان نظام‌های چندکشتی، سرمایه اجتماعی در حد زیاد داشتند، در صورتی که میزان سرمایه اجتماعی اکثر زنان نظام رعیتی در حد متوسط و پایین‌تر برآورد شد.

علاوه بر این، اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظام‌های کشت مخلوط نشان داد مؤلفه «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» بین زنان اولویت اول را به خود اختصاص داده است، در حالی که بین زنان در نظام رعیتی مؤلفه «دوستی و روابط خانوادگی» اولویت اول را به خود اختصاص داده بود. این امر نشان‌دهنده روحیه جمع‌گرایی بالای زنان در نظام‌های چندکشتی نسبت به زنان در نظام رعیتی است که می‌تواند در کارهای گروهی باعث توفیق شود.

مقایسه مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی بین زنان روستایی در نظام‌های خانوادگی کشت مخلوط و نظام رعیتی مورد مطالعه نشان داد مؤلفه‌های «اعتماد و احساس امنیت»، «مشارکت در اجتماعات محلی» و «دوستی و روابط خانوادگی» بین زنان هم‌پوشانی دارند. در حالی که میزان

مؤلفه «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها» بین زنان دارای فناوری‌های نوین کشاورزی تفاوت قابل توجهی دارد.

همچنین، نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها به منظور مقایسه سرمایه اجتماعی زنان در نظام‌های چندکشتی و نظام رعیتی بین زنان روستایی مورد مطالعه نیز نشان داد اختلاف معناداری بین سرمایه اجتماعی دو گروه زنان وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی عامل کلیدی و مؤثری در پذیرش فناوری‌های نوین کشاورزی در جامعه آماری مورد مطالعه است.

یافته‌های بیان شده در جدول ۵ حاکی از آن است که اختلاف معناداری در سطح پنج درصد بین میانگین سرمایه اجتماعی زنان روستایی در دو نظام کشت خانوادگی چندکشتی و رعیتی وجود دارد. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین سرمایه اجتماعی زنان نظام کشت خانوادگی با زنانی در نظام کشت رعیتی اختلاف معناداری وجود دارد که با توجه به آزمون لون که کوچک‌تر از ۵ درصد است، مقایسه میانگین برای واریانس‌های برابر است، به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی به طور کلی در نظام‌های خانوادگی چندکشتی بیشتر از زنان در نظام‌های رعیتی است. این یافته با نتایج تحقیقات ماکوب (۲۰۰۵)، پالدام (۲۰۰) و یانگ (۲۰۰۲) همسو است. خلاصه آزمون تی برای بررسی تفاوت بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بین نظام خانوادگی چندکشتی و نظام رعیتی همان‌طور که مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری بین کل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر دو نظام وجود دارد. با توجه به آزمون (لون کم‌تر از ۵ درصد) و برابری واریانس‌ها و چون میانگین مؤلفه‌های احساس امنیت و اعتماد، بهادادن به زندگی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها در بین زنان در نظام‌های خانوادگی چندکشتی بیشتر است. در مقابل، مؤلفه‌های دوستی و روابط خانوادگی، پیوندهای همسایگی، مشارکت در اجتماعات محلی و عمل‌گرایی در بافت اجتماعی در بین زنان در نظام کشت رعیتی بیشتر است.

نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که ۶۱ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی را متغیرهای مانند سابقه کار، تحصیلات، درآمد، رسانه‌های انبوهی و مالکیت زمین می‌تواند تبیین کند. در این بین میزان تحصیلات و رسانه‌های انبوهی بیشترین اثر را بر افزایش سرمایه اجتماعی در بین زنان



دارند. در مقایسه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی در نظام‌های کشت مخلوط و نظام رعیتی مشخص شد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر دو نظام، تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، نتایج تحقیق نشان داد در نظام‌های خانوادگی چندکشتی، عوامل فردی و درون‌خانوادگی مهم‌تر است، مانند احساس امنیت و اعتماد، بهادادن به زندگی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها و در نظام کشت رعیتی، عوامل اجتماعی و برون‌گرایی مانند دوستی و روابط خانوادگی، پیوندهای همسایگی، مشارکت در اجتماعات محلی و عمل‌گرایی در بافت اجتماعی بین زنان مهم‌تر است.

از آنجا که نظام‌های کشت سنتی به‌شدت کاربرند، و شاغلین و بهره‌برداران این‌گونه نظام‌ها، بیشترین زمان حضور خود را در مزرعه خود در حال کارکردن و فعالیت‌اند، بنابراین، فرصت بسیار کمی برای ایجاد ارتباط، تبادل نظرها و عقاید دارند. همچنین، در این بین، تعاملاتی که موجب افزایش سرمایه‌های فردی و اجتماعی می‌شود، آنچنان که باید اتفاق نخواهد افتاد. در حالی که اگر عامل ایجادکننده سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از این ارتباطات بدانیم، زنان شاغل در بخش کشاورزی با این رویکرد، فرصت اندکی برای افزایش سرمایه اجتماعی خود با گروه همکاران دارند. اما نظام‌های چندکشتی به‌دلیل مکانیزه کردن فعالیت‌های بهره‌برداران، استفاده بهینه‌ای از زمان، امکانات، ادوات و دستگاه‌ها به عمل آورده است و زنان قادر کشاورز امکان بهره‌گیری از ارتباطات دوسویه و چندسویه برای تبادل آرا و نظرهای خود خواهند داشت. بنابراین، سرمایه اجتماعی آن‌ها از لحاظ مسائل اجتماعی و فرهنگی توسعه می‌یابد. بنابراین، در صورت استفاده زنان روستایی و کشاورز از نظام چندکشتی انتظار می‌رود، ضمن توسعه دانش و فناوری زنان در زمینه روش‌ها و نظام‌های جدید و مکانیزه کشاورزی، سرمایه اجتماعی آنان نیز رشد و توسعه یابد.

### پیشنهادها

با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان موارد زیر را پیشنهاد داد:

- با توجه به مزایای فراوان کشت‌های مخلوط از قبیل حفظ محیط زیست روستا، حفاظت و نگهداری از منابع آب و خاک، افزایش بازدهی فعالیت‌های کشاورزی، افزایش میزان و

سطح درآمد روستاییان و بهره‌برداران بخش کشاورزی و نیز ارتقای سطح زندگی و نیز سرمایه اجتماعی زنان و مردان روستایی به نظر می‌رسد، آشناسازی بیشتر زنان و مردان کشاورز با مزایای کشت مخلوط از طریق برگزاری کلاس‌های ترویجی موجب دلگرمی روستاییان به محیط زندگی خود می‌شود و از مهاجرت آنان به شهرها و حاشیه‌نشینی آنان جلوگیری کند.

- نهادینه‌شدن شیوه چندکشتی و آثار و پیامدهای مناسب و ارزشمند آن بین کشاورزان موجب تقویت انگیزه و توسعه مهارت‌های کشاورزی مخلوط می‌شود که این خود در راستای افزایش سرمایه اجتماعی گام خواهد برداشت.
- به نظر می‌رسد، تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق مدیریت فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های گروهی و مشارکت بیشتر زنان در بخش کشاورزی افزایش یافته و علاوه بر افزایش درآمد و ارتقای سطح زندگی زنان، سرمایه اجتماعی روستا و منطقه را توسعه دهد.
- همواره حفظ، نگهداری و نیز افزایش سرمایه اجتماعی در بین احاد جامعه به‌ویژه بین زنان، از دغدغه‌های مسئولان و دولت‌مردان هر جامعه است، در حالی که تغییر الگوی کشت از رعیتی به چندکشتی به‌طور غیرمستقیم، با افزایش درآمد و ارتقای سطح معیشت، موجبات افزایش سرمایه اجتماعی را بین این قشر فراهم می‌کند.
- تغییر الگوی کشت از سنتی به چندکشتی باعث می‌شود زنان روستایی برای اجرای این شیوه و کسب مهارت لازم در کلاس‌ها و دوره‌های مختلف آموزشی شرکت کنند و ضمن افزایش میزان مطالعه و تلاش خود، در انتقال تجربه‌ها بین گروه خود، مشارکت و سرمایه اجتماعی خود را نیز توسعه دهند.

## منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی، و نادری مهدیی، کریم (۱۳۸۸). *کشاورزی پایدار*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۲. آگهی، حسین (۱۳۸۴). نقش تعاونی‌ها در بهبود موفقیت زنان در فرایند توسعه. مجموعه مقالات، منتخب نخستین کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه، قسمت اول (الف-ش)، (صفحات ۶۴-۵۱)، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
۳. تودارو، مایکل (۱۳۶۸). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلام‌علی فرجادی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی.
۴. لامعی‌هروانی، جواد، و نصرتی، سهیل (۱۳۸۳). *کشت مخلوط تأخیری سیر و لوبیا*. زنجان: انتشارات اداره برنامه‌ریزی رسانه‌های ترویجی استان زنجان.
۵. مظاهری، داود (۱۳۷۷). *زراعت مخلوط*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
6. Alonge, J. A. (2002). Traditional institutions, social capital, and multi-institutional partnerships for agricultural development: implications for anew extension paradigm. *AIAEE. Proceedings of the 18th Annual Conference*, Durban, South Africa, p, 8-11.
7. Bartlett, J. E., Kotrlík, J. W., & Higgins, Ch. C. (2001). Organizational research: determining appropriate sample size in survey research. *Journal Information Technology, Learning, and Performance*, 19(1), 43-50.
8. Blanchard, A., & Horan, T. (2000). *Virtual communities and social capital. Social dimensions of information technology: issues for the new millennium*. Hershey, PA, USA, Idea Group Publishing.
9. Bourdieu, P. (1985). *The Forms of Capital in Handbook of theory and research for the sociology of education*. ed. JG. Richardson, New york: Greanwood, (pp.241-258).
10. Brehm, H., & Rahn, W. (1997). Individual level evidence for the cause and consequences of social capital. *American Journal of Political Science*, 41(3), 999-1023.
11. Chinying, L. J. (2006). Social context and social capital enablers of knowledge integration. *Journal of Knowledge Management*, 10(3), 89-105.
12. Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
13. Lin, N. (2001). Building a Network Theory of social capital. *Connections*, 22(1), 28-51.
14. Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, 23(2), 242-266.

15. Offe, C., & Fuchs, S. (2002). *A decline of social capital? The German case*. Published in Putnam, Robert D., *Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, New York: Oxford University Press.
16. Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Measuring social capital in fire communities. *Journal of Applied Behavioral science*, 36, 23-42.
17. Paldam, M. (2000). Social capital: one or many? Definition and measurement. *Journal of Economic surveys*, 14(5), 629–653.
18. Portes, A. (1998). Social capital: its organs and applications in modern sociology. *Annual Revive of Sociology*, 24(1), 1-24.
19. Putnam, R. (2000). The prosperous community: social capital and public life. *The American Prospect*, 4(13), 35-42.
20. Smith, M. B., & Sharp, S. I. (2003). Social capital and farming at the rural- urban interface: the importance of non-farmer and farmer relation. *Agricultural Systems*, 76, 913-927.